



شماره ثبت: ۲۶۷۰

بسم الله الرحمن الرحيم

فهرست مطالب:

۲	قیادت
۲	مرور گذشته
۲	فرع پنجم
۳	عمل مشروط به شرط متأخر
۳	نکته:
۳	حکم وضعی فرع پنجم
۴	نکته
۴	فرع ششم
۴	فرع هفتم
۵	فرع هشتم
۵	فرع نهم
۵	فرع دهم
۵	فرع یازدهم



قیادت

مرور گذشته

بحث ما در قیادت بود. بعد از اشاره به ادله، به فروع آن پرداختیم. در این بحث چهار فرع را بررسی کردیم.

فرع پنجم

فرع پنجم این است که وساطت برای گناه دو نفر گاهی موجب معصیت می شود و یا گاهی نمی شود؟

صورت اول این است که افراد نامحرمی را به هم رسانده است، و آن دو نفر گناهی را مرتکب شده اند و صورت دوم این است که در صورت وساطت باز گناهی انجام نداده است.

سؤال این است که حرمت مطلق است و شامل هر دو صورت می شود یا خیر؟

ظاهر مسئله این است که از دو احتمال شمول و عدم شمول، عدم شمول درست است. قیادت زمانی حرمت پیدا می کند که دو نفر مرتکب معصیت بشوند. حرمت این مشروط به شرط متأخر است. یعنی در ظرف بعدی، گناه محقق بشود. زیرا مفهوم قیادت، حاوی نکته ای هستند. این عمل باید مصداق وساطت جمع باشد، اگر جمع و عمل محرم انجام نشود، در نتیجه در ظرف واقع این عمل برای آن جمع نبوده است. هم در مفهوم لغوی و در روایات آمده است که قیادت، وساطت برای جمع است و اگر جمع نشوند، قیادتی نیست.

ممکن است کسی بگوید، همین که قصد قیادت وجود داشته باشد، مصداق قیادت است. این یک شبهه ای مفهومی است. در شبهه ای مفهومی باید قدر متیقن بگیریم. از حیث تجری گناه است و از حیث قیادت، حرمتی وجود ندارد.

این نیز شبهه چیزی است که در قاعده اعانه ای بر اثم وجود داشت. وقتی اعانه وجود داشت که گناه واقع بشود و الا اگر در ظرف، گناه واقع نشود، در مسیر گناه نبوده است. حرمت اعانه بر اثم دو شرط داشت و یک شرط آن این است که:

اعانه و عملیات مقدمه سازی، باعث انجام گناه بشود. پس صدق اعانه متوقف بر انجام گناه است.



عمل مشروط به شرط متأخر

ادامه سؤال این است که در جایی قیادت حرام است که جمع حاصل بشود و معصیت انجام بشود، در غیر این صورت، چون مشروط به شرط متأخر است، گناهی و حرمتی ندارد.

ما در کفایه بحثی کردیم که شرط متأخر معقول است یا خیر؟

معمولاً یک امر مشروط به شرط متقدم یا متقارن می‌شود. اینکه بگوییم مشروط به شرطی که بعد خواهد آمد، دو جواب دارد:

۱. شرط وصفی است که مقارن است.

۲. مانعی ندارد و امور اعتباری است و ایرادی ندارد.

نکته:

گاهی بعد از قیادت و وساطت برای گناه، دو طرف محرم، با هم محرم شده و فعل حرام انجام نمی‌دهد. این نیز مصداق همین بحث است و چون مشروط به شرط متأخر است، مالی که برای قیادت داده‌اند، حرام نیست.

حکم وضعی فرع پنجم

بعد از این حرمت تکلیفی، حرمت وضعی را مورد بررسی قرار می‌دهیم. ممکن است کسی به خاطر قیادت مال و اجرتی از دو طرف گرفته باشد. ممکن است که به خاطر زلزله یا اتفاقات دیگر، این وساطت انجام نشده باشد یا اینکه معصیتی انجام نشده باشد، آیا این اجرت و پول، حرام است؟

چون حرمتی تکلیفی وجود ندارد، حرمت وضعی نیز وجود ندارد. گاهی مثل حمل و نقل است که ذاتاً دارای ارزش عرفی است، ولی ممکن است که عرف برای آن ارزشی قائل نیست. مثل آدرس دادن و غیره. در هر دو صورت، این وقتی حکم تکلیفی ندارد، قاعدتاً حکم وضعی نیز شامل آن نیست. در نتیجه اگر عمل دارای ارزش مادی و اقتصادی بوده است، معامله درست و تمام است، اما اگر ارزش عقلایی و عرفی ندارد، معامله نیز باطل است.



شماره ثبت: ۲۶۷۰

نکته

دوای بر معامله اثر نمی‌گذارد. مثلاً کسی خانه‌ای را خریده است و قرار بوده از کنار خانه‌اش اتوبان بگذرد، بعد اتوبان از آنجا عبور نمی‌کند، این داعیه باعث بطلان معامله نمی‌شود. در این بحث نیز دوای اثر گذار نیستند.

فرع ششم

سؤال دیگر این است که قیادت و وساطت برای دو منظور استفاده می‌شود: گاهی وساطت برای مجامعت محرمه می‌شود، گاهی برای تمتعات محرم دیگر انجام می‌شود. در اینجا سؤال این است که آیا قیادت مختص هر دو است یا اینکه قیادت در جایی است که اقدام برای مقدمات انجام می‌شود؟

قدر متیقن دلیل جایی است که وساطت برای مجامعه‌ی محرمه باشد. اما اگر برای تمتعات دیگر باشد، امکان دارد قائل به اطلاق باشیم. زیرا در مفهوم قیادت، بیش از کسی را به سمت کسی کشیدن، افاده نمی‌شود. وصل کردن بین دو نفری که با هم حرام هستند. اینکه عمل حرام چه باشد، احتمالاً مفهوم اطلاق دارد. البته باید بدانیم نگاه کردن و امثال آن، از این خارج است. باید جمع و وصلی بین آن‌ها باشد تا قیادت شامل آن‌ها باشد.

البته اگر کسی تردید و شک بکند و احتمال قبیحی بدهد که باید حتماً در مجامعت باشد، در این صورت باید قدر متیقن را بگیریم.

فرع هفتم

قیادت و وساطت و زمینه‌سازی گاهی مستقیم است و گاهی غیرمستقیم است. گاهی با تشویق شخص، عمل محرم انجام می‌شود؛ اما گاهی واسطه می‌خورد. مثلاً شخص ماشین را به شخصی می‌دهد تا کار را انجام دهد. یا اینکه سایت راه‌اندازی می‌کند. پس گاهی شخص با مقدمات و زمینه‌های بعیده و غیر بعیده، زمینه‌ی گناه را فراهم می‌کند. سؤال در اینجا این است که آیا قیادت اطلاق به همان وساطت مستقیم دارد یا حالت دوم را می‌گیرد؟

در اینجا دو احتمال وجود دارد:

۱. قیادت، یعنی رساندن دو شخص، و این قیادت گاهی مستقیم و غیرمستقیم است.



شماره ثبت: ۲۶۷۰

۲. معنای عرفی قیادت در جایی که مستقیم باشد.

در اینجا باید تفصیلی قائل بشویم و بگوییم، تا حدودی صدق قیادت می‌کند. در جاهای مخصوصی که غیرمستقیم است، صدق می‌کند. علی‌الخصوص در مواردی که شخص مدیر کار است. در اینجا عرف ملاک است. در بعضی مقدمات غیرمستقیم، صدق می‌کند اما در جاهایی مقدمات بعیده می‌شود که قیادت صدق نمی‌کند. اما در آنجا اعانه بر اثم صدق می‌کند.

فرع هشتم

قیادت و وساطت فردی یا جمعی است. گاهی مجموعه‌ای، سیستمی را راه‌اندازی می‌کند تا این بازار فساد را محقق کند.

قیادت شامل وساطت فردی و جمعی می‌شود. در سیستم، همه گناه می‌کنند و به ازای هر عمل حرام، گناه می‌کنند. وقتی تشکیلات بشود، تمام کسانی که در تشکیلات کار می‌کنند، مشمول این عنوان می‌شوند. مثلاً حتی کسی که چایی می‌ریزد، نیز صدق عنوان می‌کند.

فرع نهم

فرع نهم این است که قیادت ممکن است عنوان محرمات دیگر باشد، مثلاً اشاعه‌ی فحشا. در این صورت باعث تشدد عذاب می‌شود.

فرع دهم

اگر قیادت بین غیر مکلفان بشود، مثلاً بین دو مجنون یا صغیر این قیادت انجام بشود. این قیادت یک فعل حرام است ولی فعل حرامی انجام نمی‌شود.

ظاهر دلیل این است که قیادت در جایی که موجب عمل حرام می‌شوند، در این مورد، حرامی اتفاق نمی‌افتد. اما از حیث عناوین دیگر، فعل حرامی انجام شده است. مثلاً اشاعه‌ی فحشا.

فرع یازدهم

قیادت به دو جهت امکان دارد از کبائر باشد،



شماره ثبت: ۲۶۷۰

۱. در روایات، وعده‌های عقاب زیادی داده شده است.

۲. گناهی از کبائر است که در قرآن وعده به عذاب داده شده باشد. واژه‌ی قیادت در قرآن نیامده است ولی اشاعه‌ی فحشا در قرآن آمده است و وعده‌های عقاب نیز به آن داده شده است، ممکن است بگوییم اشاعه‌ی فحشا، قیادت را شامل می‌شود.
به یکی از دو نحو مذکور می‌توانیم بگوییم که قیادت از کبائر است.